



## به هنرمندان جوان و مؤمن تکیه کنید

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع آفرزهایی از رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله)

در دیدار با هنرمندان

بسم الله الرحمن الرحيم

«ملت ما، برای اینکه حیثیت و کیان حقیقی و انسانی و اسلامی و انقلابی و فرهنگ ملی اش حفظ شود، احتیاج به مجاهدت و مقاومت و ایستادگی در مقابل تهاجم دشمن دارد.»

اگر می‌خواهید هنر این کشور رشد و اعتلا پیدا کند، به هنرمندان جوان و مؤمن تکیه کنید. آنها می‌توانند از اسلام و از انقلاب و از این کشور دفاع کنند. منظورم این است که در محیط‌های فرهنگی، به نیروهای مؤمن تکیه شود. اینها سدی در مقابل تهاجم فرهنگی هستند.»<sup>۱</sup>

**شما مشخصه خودتان را در  
پیامتان حفظ کنید و بگذارید  
کسانی که مخاطبتان قرار  
می‌گیرند، این طعم برایشان  
خوشایند باشد. مثل همان  
کاری که پیامبران و مصلحان  
دنیا کردند.**

نیز توجه شود. «به نظر من، این جریان هنرمندان معتقد به دین، معتقد به مبانی اساسی اسلام و انقلاب، و معتقد به راه نویی که ملت ایران با شجاعت انتخاب کرد و شناخت و پیمود، امروز بایستی خیلی احساس مسئولیت و تلاش کند. جریان ضد این حرکت عظیم مردمی و ضداسلام، از همه امکانات بهره‌برداری می‌کند؛ از هنر هم به‌طور کامل بهره‌برداری می‌کند.

امروز در دنیا دستگاه‌های عظیم فیلمسازی علیه اسلام، فیلمنامه‌های قوی می‌نویسند و بازی‌های قوی ارائه می‌دهند. این فیلم‌ها را، برای بدچهره کردن و زشت کردن اسلام و مفاهیم اسلام- و از جمله مفهوم انقلاب- می‌سازند و در دنیا پخش می‌کنند. کما اینکه- شما ببینید- برای خیلی از مفاهیم استعماری و استکباری و مفاهیمی که مورد علاقه و نیاز مراکز استعماری دنیاست، کارها و پشتیبانی‌های هنری بسیار عظیمی انجام می‌گیرد: آنچه صهیونیست‌ها لازم دارند، آنچه صهیونیسم از اول لازم داشته، آنچه برای غرق کردن فرهنگ‌های ملت‌ها در فرهنگ غالب آمریکایی یا غربی لازم است. شما می‌بینید که همه این چیزها و همه این نیازها را در گوشه و کنار آثار هنری فراوان، همچنین در کارهای علی‌الظاهر علمی- فرهنگی، برآورده می‌کنند. فیلم‌ها و آهنگ‌ها می‌سازند، نقاشی‌ها می‌کنند و کارهای هنری فراوانی انجام می‌دهند، برای اینکه آن مفاهیم را در ذهن‌های مردم جا بیندازند.

البته، بدیهی است که همه چیز در دنیا، وابسته به فهم انسان‌هاست. اگر کسی، یا مرکز قدرتی بتواند فهم انسان‌ها را به سمتی سوق بدهد، همه چیز در آن جهت

عقیده من این است که در هنر انقلاب و در این بخش- یعنی بخش داستان و خاطره و این چیزها- باید دنبال یک «جست» نو باشیم. (وقتی از گوشه درخت کهنه‌ای یک شاخه جدید بیرون می‌زند، به تعبیر مشهودی‌ها، می‌گوییم: جست). باید عرض کنم که هنر نویسندگی و داستان‌نویسی در انقلاب، بدون اینکه سرمایه‌گذاری بکنیم، خودش را نشان داده است. این، از همان جوشش‌های طبیعی است. چون صادق‌ترین جوشش‌ها آن است که بدون درخواست و تقاضا، خود را نشان بدهد.<sup>۲</sup>

شما باید جوانان مستعد را شناسایی کنید و آموزش دهید «به نظر من، در زمینه‌های نویسندگی، ما خیلی نیاز به کار داریم. ما می‌بینیم هر جا که یک فیلم خوب ساخته شده است، بر اساس یک قصه و فیلمنامه خوب بوده است. آنجایی که جاذبه ندارد، عیب دارد، مشکل اصلی، فیلمنامه است. البته نقیصه‌ای است. من احتمال می‌دهم که زمانی، با بعضی از شما این صحبت را کرده باشم: می‌گویم: شاید ذوق و سلیقه ایرانی در این جهت تربیت نشده است. یعنی ما قصه‌شعری خیلی داریم. مثلاً شاهنامه، کتاب‌های نظامی و دیگر شاعران. این قصه‌ها، خیلی هم خوب است و بعضی از قصه‌هایش هم، انصافاً از لحاظ قصه‌پردازی، بسیار قوی است. اما کار قصه‌نویسی از قدیم نداریم. در غرب و اروپا، از پیش از میلاد مسیح کار نمایشنامه‌نویسی و قصه‌نویسی رواج داشته است؛ حالت سنتی داشته است. کما اینکه آنها شعرشان نسبت به ما خیلی ضعیف و بسیار عقب است. ولی این چیزی نیست که نشود تأمین کرد. اینها جزو سرنوشت همیشگی بشر نیست.

خب، یک وقت هم می‌بینید یک شاعر برجسته، در آنجایی که مهد شعر نیست، به وجود می‌آید: مثل شکسپیر، که نمایشنامه‌هایش هم به شعر است. چه عیبی دارد که ما هم در بین خودمان، ناگهان قله‌های هنری در زمینه نویسندگی پیدا کنیم؟ اگر این کار بشود، آن وقت ما در دو زمینه، پیشرفت خواهیم کرد: هم در زمینه فیلم پیشرفت می‌کنیم، هم خود قصه. من در مورد قصه با موضوع انقلاب اسلامی، احساس کمبود زیادی می‌کنم. ما نسبت به انقلاب؛ قصه‌های کمی داریم، شاید بتوان گفت که به یک معنا نداریم. در مورد جنگ هم همین‌طور ... به هر حال، به نظر من کار رمان را باید خیلی جدی بگیریم. جوانان را پیدا کنید و برای آنان برنامه‌ریزی کنید.<sup>۳</sup>

باید به تشویق و تجلیل از هنرمندان و نویسندگان معتقد به اسلام و انقلاب



عظیمی، در خدمت این است که در مقابل افکار عمومی، همین گروه ستمگر متجاوز زورگوی زیاده‌طلب را به‌عنوان یک مجموعه مظلوم و مورد ستم و قابل‌ترحم در دنیا منعکس کنند! هنوز دارد این کار انجام می‌گیرد. اما متقابلاً برای نشان‌دادن مظلومیت مظلومان حقیقی منطقه فلسطین، کار چندانی انجام نگرفته است. یعنی تقریباً در دنیا هیچ کاری انجام نگرفته است البته، اگر در گوشه و کنار - یک وقتی در اینجا، یا در بعضی از کشورهای عربی - بالاخره کارهایی از لحاظ کیفیت در هر حدی، انجام گرفته باشد، در مقابل آنچه آنها انجام داده‌اند، صفر است.

خلاصه، برادران عزیز! امروز از ابزار معنوی (یعنی از ابزار فرهنگ و هنر) دارد علیه ارزش‌های والای بشری و اعتقادات انسانی و ادیان آسمانی و خواست‌های انسان‌ها، حداکثر استفاده می‌شود تصور من این است و امید به این قشر و این نسلی است که حقیقت را شناخته‌اند. البته، همیشه در دنیای هنر، در سراسر دنیا کسانی هستند و بوده‌اند که علی‌رغم این حرکت ظالمانه، کارهایی انجام داده‌اند. نمی‌شود گفت که صحنه و عرصه هنر - یا فرهنگ - به کلی خالی از گرایش‌های حق‌طلبانه است. اما هر کاری که انجام بگیرد، کم است.

به نظر من، در این زمینه، هنرمندان و اصحاب فرهنگ در کشور ما، مسئولیت مهمی دارند. یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌ها هم این است که این جوان‌های تازه‌رس و تازه‌کار و تازه وارد میدان هنر شده را، در مقابل ابهت کاذب آن کسانی که مایه‌هایی از هنر دارند (بعضی هم ندارند. بعضی هم فقط اسم دارند و حقیقتاً مایه هنری

به نظر من، این جریان هنرمندان معتقد به دین، معتقد به مبانی اساسی اسلام و انقلاب، و معتقد به راه نویی که ملت ایران با شجاعت انتخاب کرد و شناخت و پیمود، امروز بایستی خیلی احساس مسئولیت و تلاش کند. جریان ضد این حرکت عظیم مردمی و ضداسلام، از همه امکانات بهره‌برداری می‌کند؛ از هنر هم به‌طور کامل بهره‌برداری می‌کند.

استفاده می‌شود، تا صهیونیست‌هایی را که آمده‌اند و تجسم ظلم مسیطر و قاهری در منطقه‌ای از دنیا شده‌اند، به‌عنوان یک چهره مظلوم جلوه بدهند! این، کاری است که الان دارد در دنیا انجام می‌گیرد. با این همه تلاشی که شده، با این همه کمک مالی که به آنها شده، با این همه سلاحی که برای آنها فراهم کردند (یا امکان دادند که خود آنها فراهم کنند)، با این همه اغمازی که از ظلم‌های آنها در دنیا شده است و در عین حال هنوز رها نکرده‌اند، مطبوعات، وسایل تبلیغاتی، وسایل ارتباطاتی و هنر، در بخش‌های

سوق پیدا خواهد کرد. این، قهری است. بنابراین، میل و تلاش دستگاه‌های قدرت جهانی و قدرت‌های متجاوز زیاده‌خواه، برای اینکه بتوانند بر افکار، آرا و تمایلات مردم غلبه پیدا کنند، چیز عجیبی نیست. قهری و طبیعی است. دارند از همه امکانشان استفاده می‌کنند: از پیشرفته‌ترین روش‌های ارتباطاتی امروز، برای جانداختن یک دروغ به جای یک حقیقت ناب استفاده می‌شود. از قوی‌ترین هنرمندها برای اثبات - فرض بفرمایید - مظلومیت صهیونیسم (خنده‌آورترین چیزی که امروز می‌شود در دنیا مطرح کرد)

ندارند، لیکن با همان اسم هنری خودشان که سعی هم می‌شود به زور، بزرگ داشته و زیادی تفخیم بشود) مصونیت بخشند. آنها روی هنرمندان جوان و هنرمندان در بین راه ما فشار می‌آورند. سعی شود از این جوان‌ها حمایت بشود؛ هم حمایت معنوی و هم حمایت مادی. به ایستادگی، به استقلال، به حرف‌زدن با همان زبان هنر و سخن‌گفتن از حقایقی که به آنها اعتقاد دارند، تشویق بشوند. چرا این حقایق را پوشیده نگه می‌دارند؟! من می‌بینم امروز بعضی از هنرمندانی مؤمن، حرفی را که در دلشان در صحنه هنر هست، می‌ترسند بگویند و بیان کنند! چرا؟! چرا باید این جور بشود؟! بالاخره، این مسئولیت مهمی است. امروز هر چه از هنرمند مسلمان، تجلیل و هر چه هنرمندان مسلمان، تشویق بشوند، جا دارد. این، یک وظیفه بزرگ است. این، یک کار فرعی و حاشیه‌ای نیست؛ یک کار اصلی است...<sup>۴</sup>

موضوع دیگر استفاده از متون کهن داستانی است. «ما از داستان‌گویی چه قصدی داریم؟ چرا گفته می‌شود «برای فرزندانان داستان بگویند»؟ چرا داستان این‌قدر مورد توجه همه حکمای دوران تاریخ، و از جمله اسلام است؟ چون داستان، در چهره قهرمان‌هایش، درس زندگی می‌آموزد. در داستان، هر انسانی می‌تواند کمال مطلوب‌ها و راه‌های زندگی خودش را پیدا کند. لذا چنانچه بنا شود راه غلط به ما نشان بدهد، از آن فلسفه خودش دور افتاده است و دیگر ارزش ندارد. بنابراین، باید روی این نقطه تکیه کرد، که بعضی از داستان‌ها ارزش ندارد و اما، در همین مثنوی یا در **منطق الطیر**

شیخ عطار، داستان‌های زیادی وجود دارد. در همین **هزار و یک شب** معروف، که دنیا را پر کرده، و گمان می‌کنم هر جایی که پای فرهنگ بشری رفته، اسم هزار و یک شب هم وارد شده است، داستان‌های بسیاری - از جمله علاءالدین و چراغ جادو و از این قبیل - وجود دارد.

واقعاً **هزار و یک شب**، مجموعه عجیبی است! پر است از داستان‌های خوب. یا همین **چهل طوطی**؛ که البته روایت‌های مختلفی دارد و بعضی از روایت‌های خیلی شیرین‌تر و منطقی‌تر و متین‌تر است، و می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. ما از اینها می‌توانیم استفاده کنیم و داستان‌هایشان را به زبان مناسبی درآوریم. چرا باید با وجود این مایه، از لحاظ فیلمنامه‌نویسی و به اصطلاح زمینه‌های داستانی، وضعمان خوب نباشد؟!<sup>۵</sup>

به این نکته هم توجه کنید که مخاطب خودتان را، خلق کنید. اگر به فکر این باشید که مخاطب جبهه مقابل را تصرف کنید، ممکن است همین فکر، شما را وسوسه کند که به تقلید کار جبهه مقابل بپردازید. بعضی از عناصر جبهه خودی، که مثلاً داستان می‌نویسند یا فیلم می‌سازند، با این خیال که مخاطبان جبهه مقابل را جذب کنند، به مسائلی می‌پردازند که نویسنده یا فیلمساز جبهه مقابل به آنها پرداخته است. این کار، به هیچ وجه صحیح نیست؛ چون به سایش در جبهه خودی کمک می‌کند. بنده این را قبول ندارم. ما باید مخاطب را خودمان خلق کنیم. اگر دشمن ما با تکرار یک حرف، گوش‌ها را با آن آشنا می‌کند، ما نباید مجبور شویم حرفی را که او می‌خواهد، تکرار کنیم. باید ذائقه خلق

کنیم؛ یعنی همانی که مطابق فکر و ایمان و عقیده ماست. خلاصه اینکه، اگر دشمن خصوصیات را در کار خودش برجسته می‌کند، ما تقلید نکنیم. فرض کنید دشمن در قصه و شعر و فیلم و فیلمنامه خود، از خصوصیت انتقاد از وضع موجود استفاده می‌کند. آیا ما هم باید برای عقب‌نماندن از او، در قصه و شعر و فیلم و فیلمنامه خود، از وضع موجود انتقاد کنیم؟ چرا انتقادی کنیم که به معنای عیب‌جویی، ایرادگیری و نیش‌زدن است؟ چرا به خودمان نیش بزنیم؟! اگر وضع موجود، اشکالی دارد، همت بگماریم تا اشکال را برطرف کنیم. چرا خرابش کنیم؟ اما نباید به خودروی که در گردنه نفسگیری، ناله‌کنان بالا می‌رود حرکتش کند است و مشکلی دارد، سنگ بزنیم. چون اگر سنگ بزنیم، متوقف می‌شود. باید به آن خودرو کمک کنیم و هلش بدهیم تا بالا برود.

من اصلاً نمی‌گویم که «مخاطبتان عده‌ای خودی باشند» مخاطب شما، همه بشریت‌اند: «و ما ارسلناک الآ کافه للناس.» (سوره مبارکه سبأ؛ آیه ۲۸) نمی‌گویم که «شما افراد حزب‌اللهی و مؤمن را پیدا کنید؛ و به صورت خصوصی، حرف‌هایی به آنها بزنید؛ من معتقدم: شما مشخصه خودتان را در پیامتان حفظ کنید و بگذارید کسانی که مخاطبتان قرار می‌گیرند، این طعم برایشان خوشایند باشد. مثل همان کاری که پیامبران و مصلحان دنیا کردند.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. بیانات در دیدار جمعی از صاحب‌نظران، مسئولان، نویسندگان، خبرنگاران و کارکنان دستگاه‌های فرهنگی، هنری، تبلیغی و خبری کشور، به همراه وزیر و معاونان و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور؛ ۱۳۷۱/۵/۲۱.
۲. بیانات در دیدار هیئت اسلامی هنرمندان؛ ۱۳۸۱/۱۰/۲.
۳. بیانات در دیدار جمعی از نیروهای فرهنگی و هنرمندان دفاع مقدس؛ ۱۳۷۹/۱/۲۰.
۴. بیانات در دیدار گروه نمایش صدا؛ ۱۳۷۱/۱۰/۲۹.
۵. بیانات در دیدار هنرمندان و مسئولان فرهنگی کشور؛ ۱۳۷۳/۴/۲۲.